

توصیه‌هایی برای بهره بیشتر از ایام محرم

آداب عزاداری

حمیده ذاکری| با فرارسیدن ماه محرم، دوستداران اهل‌بیت(ع) خود را برای ایام عزاداری سیدالشهدا(ع) و یارانش آماده می‌کنند و برای نشان دادن ارادتشان به ایشان، خود را به خیمه عزای حسینی می‌رسانند. به قول شاعر: «دل را به محرم آشنا خواهم کرد/ از هرچه به غیر او جدا خواهم کرد». برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از این ایام، خوب است جان و روان خود را آماده کنیم. در ادامه، توصیه‌های ائمه‌اطهار(ع) و علما را در این‌باره بررسی خواهیم کرد.

وقتتان را به وقت محرم تنظیم کنید

کارشناسان دینی می‌گویند شایسته است سبک زندگی شیعیان و دوستداران امام‌حسین(ع) در ماه محرم تغییر کند و برای ورود به این ماه بزرگ آماده شویم.

بر این اساس توصیه شده است که قبل از محرم، امور شخصی را به انجام برسانیم تا در ایام محرم وقت عزاداری داشته باشیم. ترک میهمانی‌ها و مجالس غیرضروری از آداب این ایام است. با نگاهی به گذشته، درمی‌یابیم در این ایام، بیشتر مردم وقت خود را در حسینیه‌ها و مجالس عزا می‌گذراندند.

بهترین ساعات را برای عزاداری، انتخاب کنید

شایسته است بهترین اوقات روز را به مجالس اهل‌بیت(ع) اختصاص دهیم؛ بدین صورت که تا آخر وقت در محل کار یا خانه نمانیم و زمان خستگی را به مجلس اختصاص ندهیم یا این‌گونه نباشد که اوقات اضافی را به مجالس اختصاص دهیم. رهبر معظم انقلاب درباره بهره‌مندی از مجالس عزاداری فرموده‌اند: «قدر مجالس عزاداری را بدانند. از این مجالس استفاده کنند و روحا و قلبا این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکم‌تر میان خودشان و حسین‌بن‌علی(ع)، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند». (۱۳۷۳/۰۳/۷).

تقدم عزا بر شادی

حضرت علی(ع) در روایتی می‌فرمایند: «شیعیان و پیروان ما در شادی و حزن ما شریکند». (بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۸۷). همچنین در روایتی از امام‌رضا(ع) آمده است: «همین که ماه محرم فرامی‌رسید، لبخند از لبان پدرم محو می‌شد و دیگر کسی ایشان را متبسم نمی‌دید». بر همین اساس، حزن ظاهری و باطنی از دیگر قدم‌های آمادگی برای محرم است.

تهیه رخت عزا

تهیه لباس برای خود و خانواده و فرزندان قبل از ماه محرم، یکی از آداب این ماه است. خوب است قبل از شروع ماه محرم به فکر تهیه لباس عزا برای خود و خانواده‌مان باشیم و با پوشیدن رخت عزا در این ایام، پیام سوگواری خود را به اطرافیانمان برسانیم. به روایت ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه، امام‌حسن(ع) در سوگ امیرمؤمنان علی(ع) جامه سیاه پوشید و با همین جامه برای مردم خطبه خواند. (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه). براساس حدیثی که بیشتر محدثان نقل کرده‌اند، زنان بنی‌هاشم در سوگ اباعبدا...الحسین(ع) جامه سیاه پوشیدند. (بحارالانوار، ج۴۵، ص۱۸۸). مرحوم کلینی چنان نقل می‌کند که سلیمان‌بن‌راشد از پدرش نقل کرد: «امام‌سجاد(ع) را دیدم که جبه‌ای جلوباز و سیاه‌رنگ و طیلسانی (عبایی) کبودرنگ پوشیده بود.» (وسائل‌الشیعه، ج۳، ص۳۶۱). این شیوه را دیگر ائمه(ع) و بزرگانی چون ام‌سلمه، مختار ثقفی و سیف‌بن‌عمیره نخعی کوفی نیز ادامه دادند و در عصر غیبت تاکنون، استمرار یافته است. (سیاه‌پوشی در سوگ ائمه نور، ص۱۲۹-۱۵۵).

از اعمال واجب و مستحب غافل نشویم

آیت‌ا... مکارم‌شیرازی در توصیه‌هایشان به عزاداران محرم فرموده‌اند: «عزاداران عزیز به نماز اهمیت فراوان دهند و هنگام برپا شدن نمازجماعت، مراسم را موقتا متوقف کنند و بعد از نماز ادامه دهند؛ زیرا نماز، ستون و خیمه دین است». همچنین برخی مراجع در این ماه، مطالعه قرآن و خواندن چند آیه از این کتاب مبارک را در هر روز توصیه کرده و گفته‌اند شایسته است این قرائت‌ها به ائمه اطهار(ع) به‌خصوص امام‌زمان(عج) هدیه شود. بدون شک توجه به نماز اول وقت و قرائت روزانه قرآن مجید، به آمادگی روحی ما در این ایام برای بهره‌برداری از برکات آن، کمک بسیار می‌کند.

گریه برای اباعبدا...الحسین(ع)

علقمه‌بن‌محمد حضرمی می‌گوید: «امام باقر(ع) برای امام‌حسین(ع) گریه می‌کرد و ناله سر می‌داد و به هر فردی در خانه‌اش بود، می‌فرمود بگرید و در منزل آن حضرت، مجلس سوگواری و عزاداری تشکیل می‌شد و آن مصیبت را به یکدیگر تسلیت می‌گفتند». امام‌صادق(ع) به جعفربن‌عفان فرمودند: «هیچ فردی نیست که درباره حسین(ع) شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند، مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد». همچنین امام‌حسین(ع) در حدیثی به ثواب عزاداری کربلا اشاره کردند و فرمودند: «چشمان هر فردی که در مصیبت‌های ما قطره‌ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می‌دهد». در روایتی، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «فاطمه‌جان! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد که آن چشم در قیامت، خندان است و به نعمت‌های بهشتی مژده داده می‌شود» (بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۹۳).

ظاهرمان را شبیه اهل‌بیت(ع) کنیم

آیت‌ا... مظاهری در توصیه‌هایی درباره ماه محرم فرموده‌اند: «از نظر عقیده، محبت و شعار، در حد بالا و خوب هستیم. در یک جا لنگیم و مهم هم آن است و آن، شیعه عملی بودنمان است. عده‌ای آمدند در خانه امیرالمؤمنین(ع) و به ایشان عرضه داشتند که ما از شیعیان شما هستیم. حضرت آمدند نگاهی به آن‌ها کردند و گفتند: من در سیمای شما، شیعه‌گری نمی‌بینم. نه اینکه عقیده و محبت نداشتند؛ عقیده و محبت داریم، اما از نظر عمل لنگیم». در این ایام سعی کنیم ظاهرمان را نیز شبیه اهل‌بیت(ع) کنیم. در لباس پوشیدن، نوع برخورد و رفتار در هیئت‌ها و مجالس و نوع برخورد با پدر و مادر. حواسمان باشد که اطاعت از دستور پدر و مادر، مهم‌تر از شرکت در مجلس عزاداری است. دل آن‌ها را به‌دست آوریم.

در مجالس و محافل، امر آل‌محمد(ص) را احیا کنیم

در روایت است وقتی پسر شبیب در اول محرم بر امام‌رضا(ع) وارد شد، حضرت برای او ذکر مصیبت شهادت و اسارت اهل‌بیت(ع) را بیان فرمودند. شایسته است ما نیز در این ایام در مجالسمان، به ذکر مصیبت بپردازیم و همچنین به بیان احادیث و روایات اهتمام داشته باشیم. در این زمینه عبدالسلام‌بن‌صالح الهروی می‌گوید: از امام‌رضا(ع) شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند!» گفتم: «چگونه امر شما را زنده کند؟» حضرت فرمودند: «علوم ما را یاد بگیرد و به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم حسن و حقایق کلام ما را بدانند، بی‌شک از ما پیروی خواهند کرد».

از خرافات، دوری کنیم

دین مبین اسلام با دعوت به تفکر و تعقل، انسان‌ها را از پذیرش بی‌دلیل و تقلیدکورکورانه از دیگران بازمی‌دارد و برای هر پدیده، سبب و علت خاصی را قرار می‌دهد تا ما گرفتار ایده‌هایی مانند شانس و اتفاق و خرافاتی از این قبیل نشویم. امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «أَبَی ا... أَنْ یُجْرِیَ الْأَشْیَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِکُلِّ شَیْءٍ سَبَباً...؛ خداوند متعال، خودداری و امتناع فرموده است که کارها را بدون اسباب فراهم آورد، پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داده است».

دنباله‌روی کردن از روش‌های سنتی در عزاداری و همچنین دوری از خرافات، توصیه دیگری است که علمای دین درباره عزاداری‌های این دهه پربرکت بر آن تأکید کرده‌اند.

در این زمینه، آیت‌ا... مکارم‌شیرازی بیان کرده است: «عزاداران عزیز در حفظ مراسم و سبک‌های سنتی کوشا باشند. حضور جوانان و نوجوانان به این مراسم را گرامی دارند و آن‌ها را تشویق کنند و اهداف قیام تاریخی عاشورا را برای آن‌ها روشن سازند. رعایت نظم کامل در برنامه‌ها، اهانت نکردن به مقدسات دیگران، ملاحظه حال همسایگان مساجد و حسینیه‌ها، جلوگیری از اسراف و تبذیر مواد غذایی و رساندن آن به نیازمندان و خودداری از قربانی کردن حیوانات در معابر عمومی که سبب آلوده شدن خیابان‌ها و مساجد و تکایا می‌شود، دلیل بر بیداری ملت ما خواهد بود. از خداوند اجر و پاداش همگی و حل مشکلات عموم مسلمین و عظمت و اعتلای اسلام و دفع شر اشرار و دشمنان را خواستاریم».

روایت

لبیک یا حسین(ع)

جنگ جمل بود. عرب‌ها خوب شعر می‌خواندند و در جنگ‌ها همین شعرها، تبدیل به رجزخوانی‌شان می‌شد. او می‌خواند و دل سپاهیان علی(ع) را محکم می‌کرد. صدای هانی‌بن‌عروه بود. مرادش علی(ع) بود و در جنگ‌ها، کنار مالک اشتر شمشیر می‌زد. او و هم‌رزمانش می‌گفتند: «آرزویمان این است که بر دشمنانت پیروز شویم یا در رکابت کشته شویم».

هانی نودوچندساله بود و با خودش تاریخی را به دوش می‌کشید. خانه مختار، دیگر امن نبود. باید مسلم‌بن‌عقیل به‌جای امن‌تری می‌رفت. یزید، عبیدا... را فرستاده بود تا هرطور شده، غائله کوفه را بخواباند، حتی با ریختن خون فرستاده حسین(ع). هانی، بزرگ قبیله مذحجیان بود و نفوذ زیادی داشت؛ آن‌قدر که اگر اراده می‌کرد، هزاران نفر به حمایتش شمشیر می‌کشیدند. مسلم به خانه او پناه برده بود و هانی تا پای جان از میهمانش حفاظت کرد.

کلاغ‌های کوفه خبرها را به گوش عبیدا... می‌رساندند. عبیدا... با هر حیله‌ای بود، هانی را به دارالخلافه کشاند. قوم «مذحجیان» خونشان به جوش آمد و همه شمشیربه‌دست شدند. خبر کشته شدن هانی، کافی بود تا دیوارهای دارالخلافه را خراب کنند. اما فریب عبیدا... تمام‌شدنی نبود و با سکه، دین مردم را هم می‌خرید. خبر سلامت بزرگ مذحج که به قبیله‌اش رسید، شمشیرها غلاف شد. از چشم‌های هانی بغض و کینه دشمنان حسین می‌بارید؛ نه از چشم‌هایش که از زبانش هم. نفرت از یزید را با بیعت نکردنش، نشان داده بود و حالا با پناه دادن و دفاع از فرستاده حسین(ع)، شده بود دشمن سرسخت حکومت. همین دلیل کافی بود تا خونش حلال شود اما هنوز زود بود؛ اول باید کار مسلم را می‌ساختند. مسلم بعد از دستگیری هانی، تنها شد. شد همان حرف علی(ع) که: «کوفیان یک‌باره در کاری درمی‌آیند و بعد دسته‌دسته، خود را از آن به کنار می‌کشند». آن‌ها دسته‌دسته فرستاده حسین را تنها گذاشتند. بعد از شهادت مسلم، حالا نوبت هانی‌بن‌عروه بود. وقتی که به قتلگاه می‌رفت، فریاد زد و یاری خواست اما از هزاران نفر قبیله‌اش هیچ صدای لبیکی نیامد. عبیدا... دستور داد سرش را جدا کنند تا پیشکشی قابل برای یزید بفرستد. روز عاشورا حسین که تنها شد، خطاب به یاران رفته‌اش فریاد زد: «ای مسلم‌بن‌عقیل! ای هانی‌بن‌عروه و ای.... ای دلاورمردان خالص و ای سواران میدان نبرد! چه شده است که شما را صدا می‌زنم ولی پاسخم را نمی‌دهید؟ و شما را می‌خوانم ولی دیگر سخنم را نمی‌شنوید؟ آیا به خواب رفته‌اید که به بیداری‌تان امیدوار باشم؟ یا از محبت امامتان دست کشیده‌اید که او را یاری نمی‌کنید؟».

شریعه

زیارت عاشورا در نگاهی دیگر

حال‌وهوای محرم شروع شده است. سراغ پرچم‌ها و کتیبه‌های پدرم می‌روم. بعد از فوت آقاجان، این پرچم‌ها و کتیبه‌ها به من رسید. نذر نبودند؛ دلخوشی‌های روضه و هیئت شصت‌ساله آقاجان‌اند که من هنوز بعد از سال‌ها در روضه دهه اول محرم، آن‌ها را به دیوار می‌زنم. برای محرم امسال آماده می‌شوم. به عادت هرسال یک کتاب هم برای خواندن در محرم به دست می‌گیرم. تا حالا نخواندمش. اسمش «زیارت عاشورا در نگاهی دیگر» است. نویسنده را کمی تا قسمتی می‌شناسم. ابهری است؛ غلامرضا حیدری ابهری. به‌خاطر کارهایی که برای کودکان نوشته است، می‌شناسمش. روحانی و حوزوی است که برای آشنا کردن مردم به‌خصوص کودکان و نوجوانان با واقعه عاشورا، دست به قلم است. اما امسال می‌خواهم نگاه جدیدی به زیارت عاشورا و فرازبه‌فرازش پیدا کنم؛ برای همین این کتاب را انتخاب کرده‌ام. وقتی برای اولین‌بار صفحات کتاب را باز کردم، این سطور را خواندم: «زائر حسین(ع) باید بداند که دو گروهی که در روز عاشورا مقابل هم ایستادند، چه کسانی بودند. شاید بپرسی مگر دانستن اینکه حسین از نسل کیست، ما را به شناخت حسین(ع) می‌رساند؟ سؤال خوبی است. اسلام هرگز نسب را میزان حق و باطل نمی‌داند، اما درباره حسین(ع)، مسئله کاملا متفاوت است. «حسین، فرزند فاطمه(س) است»؛ فرزندی که محبوب دل فاطمه(س) و ادامه‌دهنده راه فاطمه(س) است. اگر طبق فرمایش رسول خدا(ص) «خشم و خشنودی خدا با خشم و خشنودی فاطمه گره خورده است»، یقینا فاطمه راضی نبود که فرزندان پاک و پارسایش را آن‌گونه به خاک و خون بکشند، بنابراین خدا هم از این جنایت راضی نبود. «حسین، فرزند فاطمه است.» و الله توجه به همین یک نکته و تأمل در آن کافی بود تا سپاه عمر سعد، شمشیر در نیام کنند و به پابوس سیدالشهدا(ع) بشتابند». با خواندن این قسمت از کتاب، انتخابش کردم. همه ما جوان‌ها احتیاج داریم هرچندوقت یک‌بار درمورد علایقمان بیشتر بخوانیم و چه بهتر از خواندن درباره زیارت عاشورا؟

نشستن کنار اهل باطل

یکی از پیامبران بزرگ الهی حضرت ابراهیم(ع) است؛ آن قهرمان توحید، پیامبری که از امتحانات سخت، سربلند بیرون آمد. در میان آیات قرآن مجید نحوه برخورد این پیامبر بزرگ با مخالفان آمده است. در آیات۷۶ و ۷۷ سوره انعام، به روش برخورد ایشان با ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان اشاره شده است. شاید اگر ما بودیم، به جمع آن ستاره‌پرستان حمله می‌بردیم و آن‌ها را متفرق می‌کردیم یا اینکه با نیش و کنایه و کلمات تند و تیز، آن‌ها را بی‌عقل می‌خواندیم و این‌گونه با آنان مواجه می‌شدیم، اما روش این پیامبر اولوالعزم در نهی‌ازمنکر کردن این قوم گمراه، مثل بسیاری از ما نبوده است.

اینکه حضرت رفت و بین آن افراد حضور یافت و ستاره‌ای را به‌عنوان خدای خود انتخاب کرد، این عین آیات قرآن است که او به ظاهر گفت: «همین خدای من است!» تا اینکه آن جمع، ایشان را از خودشان بدانند و بعد وقتی ستارگان محو شدند، فرمود: «من خدایی را که افول می‌کند و از بین می‌رود، نمی‌پرستم».

این روش باعث می‌شد بتواند بیشترین تأثیر را روی این انسان‌های گمراه بگذارد.

محمدبن‌مسلم از امام‌صادق یا امام باقر(علیهماالسلام) روایت کرده است: «اینکه ابراهیم(ع) پس از دیدن ستاره گفت این پروردگار من است، از باب جست‌وجو و استدلال بر وجود پروردگار متعال بود، نه اینکه واقعا کوکب را پروردگار خود دانسته و کفر ورزیده باشد. پیداست که هرکه در این مقام این‌طور فکر کند و از این باب چیزی بر زبان آورد، مانند ابراهیم(ع) است که گفتارش موجب کفر نیست».

در روایت دیگری آمده است که گفت: «از امام‌صادق(ع) درباره جمله «هذا ربی» که حکایت قول ابراهیم(ع) است، پرسیدم. امام فرمودند: ابراهیم با گفتن این جمله به هدفی نرسید؛ زیرا مقصودش غیر از آنچه بود که گفت».

یعنی حضرت ابراهیم(ع) با گفتن «هذا ربی» مشرک نشد؛ زیرا مقصود ایشان، هدایت جامعه از طریق استدلالات خودشان بود، نه شرک ورزیدن. این روش یعنی گاهی باید در کنار انسان‌های آلوده بنشینی و از اتهام و انگ دیگران نترسی تا بتوانی با حرف منطقی و جملات خیرخواهانه و برخورد مهربانانه، روی آن‌ها تأثیر بگذاری و همین تأثیرگذاری و هدایت، هدف امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است. حضرت ابراهیم(ع) حتی ابتدا درظاهر با عقاید آنان هم‌صدا می‌شود و اعلان مخالفت نمی‌کند. افکار آن‌ها را تقبیح و خدایانشان را تحقیر نمی‌کند و به این طریق، توجه آنان را به خود جلب می‌کند، لذا آن‌ها به برهان او گوش می‌دهند. سپس به‌تدریج به تعریض و تنقیص عقاید ایشان می‌پردازد و به مسیر باطل کردن عقایدشان بازمی‌گردد، ولی این کار را بسیار ملایم و آرام انجام می‌دهد.

استفاده از این روش به‌دلیل آن است که هر فرد و قوم و قبیله‌ای، روش خود را اولو آنکه در نگاه ما اشتباه باشد، درست می‌دانند و اگر شخصی با تندی آن را نفی کند، به‌جای آنکه از او بپذیرند، ممکن است با او درگیر شوند، پس باید ابتدا کاری کرد که آن افراد، خیرخواه بودن تو را بپذیرند و تو را از خود بدانند و حرف‌های تو را دشمنی و غرض‌ورزی قلمداد نکنند تا بعد به حرف و استدلال تو گوش فرادهند و درنهایت بتوانی ایشان را به‌سمت خوبی‌ها بکشانی.

خداوند بزرگ به همه ما کمک کند که با بهره گرفتن از هدایت قرآن و پیروی از اولیای الهی، بتوانیم وظایف دینی خود را به‌درستی انجام دهیم و در دعوت دیگران به خوبی‌ها موفق باشیم.